

## سعید نفیسی و شناساندن فرهنگ ایران

بقلم آقای دکتر ضیاء الدین سجادی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی

سعید نفیسی به زبان و ادب فارسی عشق میورزید و در راه نشر فرهنگ و تمدن ایران و آثار ادبی فارسی عاشقانه می کوشید و گام برمی داشت و همین عشق و شور، نیرو و توانائی خاص و فوق العاده ای باو داده بود که هرگز از کار باز نمی ماند و خسته نمی شد و خواب و خوراک را بر خود حرام کرده بود. از اینرو شب و روز و گاه و بیگاه هر جا که باید در زمینه شناساندن فرهنگ ایران و رواج زبان و ادبیات فارسی سخن بگوید یا بنویسد با کمال علاقه و بدون اندکی تأمل به کار آغاز می کرد و نیکو انجام دادن آنرا بر خود فرض می شناخت.

و چون رادیو یکی از وسایل انتشار و ترویج زبان و ادب و از عوامل مهم در شناساندن آثار ادبیات فارسی بود و باهدف عالی و ارزنده آن استاد بزرگ بسیار وفق می داد، از آغاز تأسیس او را و ادار کرد که خدمات رادیوئی را در ردیف خدمات علمی و فرهنگی خویش قرار دهد و هر اندازه ممکن است سخن و قلم و اندیشه و دانش خود را از راه این پدیده عالم صنعت در دسترس استفاده مردم فارسی زبان و علاقه مند به ادبیات ایران بگذارد.

پیش از تأسیس فرستنده رادیو سعید نفیسی در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۱۸ در پرورش افکار یک سخنرانی جامع راجع به «شناسائی کشور بوسیله رادیو» ایراد کرد و در پایان آن گفت که از طرف کمیسیون رادیو مأموریت دارد که از افراد صاحب ذوق و اطلاع بخواهد که گفتارهای درباره تاریخ و جغرافیای ایران برای رادیو بنویسند. و خود او همکاری را با کمیسیون رادیو پرورش افکار مدتها ادامه می داد. هم خودش می نوشت

و هم در گفتارهای رادیویی اظهار نظر می‌کرد. و این رشته ارتباط با رادیو را جز مدت کوتاهی از هم نگست.

در فروردین ماه هزار و سیصد و چهل سعید نفیسی برنامه تازه و جالبی را در رادیو ایران آغاز و اجرا کرد که عنوانش «از یادداشتهای یک استاد» بود و در این برنامه که به تناوب تا سال ۱۳۴۳ اجرا شد، شرح حال و رفتار و گفتار چند تن از بزرگان علم و ادب و سیاست و مخصوصاً خدمتگزاران فرهنگ معاصر را بصورت زنده با بیانی بسیار ساده و شیوا و دلنشین که خاص خود آن نویسنده و استاد بزرگ بود، نوشت و بگوش شنوندگان رادیو ایران رسانید و چون او خود آنچه را دیده بود بیان می‌کرد صورت زنده و مجسمی به گفتار می‌داد که بسیار مورد توجه قرار می‌گرفت.

نخستین کسی که از او در این برنامه سخن گفت ادیب الممالک فراهانی بود که چون آنسال با صدمین سال تولد او مصادف شده بود شرح حال و خصوصیات زندگانش مورد گفتگو قرار گرفته بود و پس از آن از کسانی مانند سید اشرف مدیر نسیم شمال، جلال الممالک (ایرج)، یوسف اعتصام الملک، فاطمه سیاح، دکتر خلیل خان ثقفی، و محمدعلی فروغی با همان شیوه جاندار و زنده و گیرا سخن به میان آورده و هر یک را بگونه‌ای شناسانده است و در این میان از هدف اصلی خود یعنی جانبداری از زبان و ادب فارسی و گفتگو درباره آن خودداری نکرده چنانکه در آغاز برنامه سید اشرف گفته است: «شعر زبان دری یعنی زبان ادب امروز ما سابقه هزارساله دارد. این زبان تقریباً دو هزار سال پیش یعنی در آغاز تاریخ میلادی نخستین بار در سکه‌های اشکانی پدیدار شده و در مدت هزارسال تکامل پذیرفته...» و ضمن آن گفته است: «در دوره ما شاعر بزرگی پیدا شد که تنها شعر برای عوام می‌گفت و از این راه خدمت بزرگی به ایران کرد. این سراینده بزرگ همان سید اشرف الدین گیلانی است» و در آغاز برنامه مربوط به دکتر خلیل خان ثقفی گفته است: «در آغاز دوره‌ای که ما در آن زندگی کرده‌ایم تازه جنبشی در ادبیات فارسی پیدا شده بود که متأسفانه نتیجه آن دیرتر از آنچه تصور می‌رفت

بدست آمد. و ضمن آن از ترجمه آثار خارجی بزبان فارسی و نخستین مترجمان سخن رانده و گفته است: «از جمله کسانی که در دوران ما سالها درین زمینه کوشیده و کار او نتیجه جالبی داشته مرحوم دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله است» و ضمن شرح حال فروغی، پس از آنکه گفته است: «مشهورترین و برجسته ترین و داناترین معلم آن روزگار مرد آراسته بسیار خوش رفتار و خوش روی و موقری بود که با کمال وقار بسر درس می آمد» از کارها و تألیفات و خدمات او سخن رانده و آنگاه گفته است: «مهمترین کاری که در جوانی پیش گرفت این بود که کتابهای از فرانسه و انگلیسی ترجمه می کرد و پدرش در ترجمه او دست می برد و اصلاح می کرد و این کتابها بنام پدر و پسر چاپ می شد...»

اما پیش از آنکه برنامه «از یادداشتهای یک استاد» را در رادیو اجرا نماید، نخستین گفتار در برنامه «مرزهای دانش» رادیو را ایراد کرد و موضوع سخنرانی او «حفظ زبان فارسی» بود که در روز بیست و پنجم شهریور ماه ۱۳۳۸ پخش شد. ضمن این سخنرانی مفید و آموزنده گفت: «برای حفظ ملیت هیچ وسیله ای محکمتر از زبان نیست زیرا زبان یگانه وسیله حفظ و بقای مشترکست. درین صورت ما ایرانیان بهیچ قیمتی نباید راضی شویم ملیت ما سست بشود یا خدای ناخواسته در خطر بیفتد، باید همه هم خود و مهمترین وظیفه ملی خود را حفظ زبان فارسی و توسعه و رواج آن بدانیم».

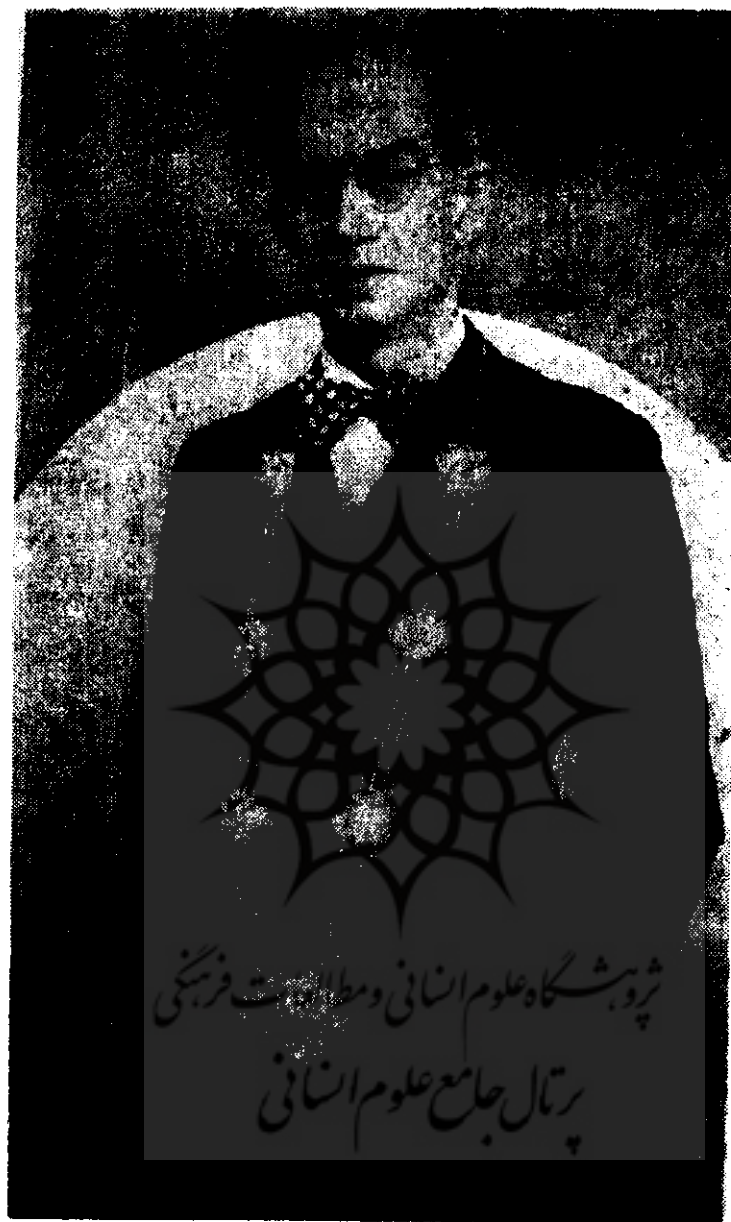
گفتارها و نوشته ها و سخنرانیهای جالب و ادیبانه و شیوای سعید نفیسی همه مورد توجه و آموزنده و درخور پسند علاقه مندان به تاریخ ایران و ادبیات و زبان فارسی قرار می گرفت و همین امر موجب می شد که پس از قطع یک رشته از برنامه ها رشته دیگری گذاشته شود که آن استاد فقید در آن شرکت جوید و افاضه کند.

پس در اواسط سال ۱۳۴۱ خورشیدی، برنامه ای تحت عنوان «در مکتب استاد» در رادیو گذاشته و اجرا شد که در آن سعید نفیسی به سؤالات شنوندگان درباره زبان و ادبیات و لغت و دستور زبان و درست گفتن و درست نوشتن جواب می داد و اشکالات را رفع می کرد و این برنامه را هم همه هفته با علاقه و جدیت و پشتکار اجرا می نمود و تا

تیرماه سال ۱۳۴۳ که به خارج مسافرت کرد به اجرای برنامه در مکتب استاد ادامه داد و از آن تاریخ اجرای این برنامه به نگارنده این سطور واگذار شد. مجموع گفتارهای آن فقید سعید در برنامه «در مکتب استاد» بصورت کتابی درآمده و انتشار یافته، و در شمار آثار فراوان اوست که تازبان فارسی هست نامش را در جهان جاویدان نگاه خواهند داشت. خدایش رحمت کناد و خاک بر آن بزرگ خوش باد.

### مرا یاد کنید

دوستان گریه بسیار مرا یاد کنید  
صبح از خواب چو بیدار شد آن مایه ناز  
چون رسیدند بشادی و نشستید بهم  
هر شب وصل که رفتید بخلوتگه راز  
هر کجا ناله مرغی و تماشای گلست  
هر زمان فتنه ای و شوری و آشوبی خاست  
از نفیسی چو شنیدید سخن زان لب لعل  
زنده داری شب تار مرا یاد کنید  
شب من، دیده بیدار مرا یاد کنید  
دل سودازده زار مرا یاد کنید  
بنشینید و دلازار مرا یاد کنید  
داستان من و دلدار مرا یاد کنید  
آن زمان گرمی بازار مرا یاد کنید  
جان فشانی من و کار مرا یاد کنید



پروفسور شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

استاد در یکی از کشورهای خارجی